

تأملی در گفته ها و نوشته ها

# جلوه‌های معلمی امام روح‌الله

## اشاره

امام خمینی (ره) که براساس یکی از دست پرورندگان ممتاز مکتب اسلام، و آینه تمام نمای یک عالم راستین و عارف وارسته و مجاهدی نستوه بود، آنگاه که در جایگاه تدریس قرار می‌گرفت معلمی را معنا کرده و به آن شکوه می‌بخشید، و رفتارش برای من و نوسرمشوق می‌شد.

آنچه در پی می‌آید گوشه‌ای از جلوه‌های معلمی امام خمینی (ره) است که عیناً از مقاله همیشه پیش از بسم‌الله حاضر بود، نوشته آقای حسین امینی، مندرج در یادنامه امام از نشریات دفتر انتشارات کمک آموزشی، نقل می‌شود.



و می‌خواستند ببینند که امام بعد از این همه مسائل تبعید، زندان و ... چه می‌فرماید. امام بعد از گفتن بسم‌الله الرحمن الرحیم فرمودند: خداوندا! ما را به خودت متوجه فرما! خدایا! ما را از غیر خودت منصرف گردان! من در همان وقت به ذهن آمد که این دعا درباره خود امام مستجاب شده است.

## ۲. حساسیت به حضور منظم شاگردان

امام به نظم، بهای فوق‌العاده‌ای می‌داد و معتقد بود که با نظم، وقت محصل برکت می‌یابد. «برخی از شاگردان امام چون به درس‌های متعدد می‌رفتند، گاه دیر در سر کلاس حاضر می‌شدند. ایشان از این وضع ناراضی بود و به همین دلیل روزی فرمود: من نمی‌گویم به درس من بیایید؛ ولی هر درسی که می‌روید، سعی کنید از اول حاضر باشید. درس، مجلس روضه نیست که به هر جای آن رسیدید، ثواب آن را بیوید.»

«یک بار یادم هست که در مورد درس فرمود: اگر برای درس خواندن می‌آید، باید سر موقع حاضر باشید و اگر برای ثواب مسجد می‌آید، جای دیگر هم مسجد هست.»

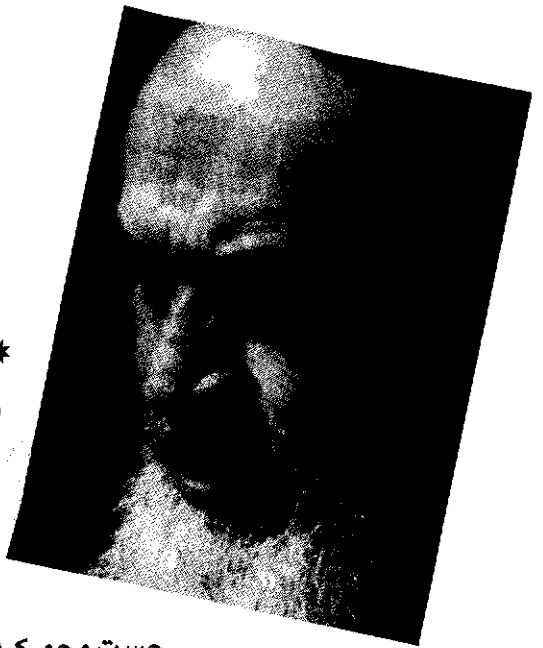
## ۳. نظم در دسته‌بندی مطالب

«ایشان مطالب درسی را خیلی عالی و مرتب تنظیم می‌کرد و همین نظم کمک بسیار مؤثری در بهتر و زودتر فهمیدن

معلمی میرز در فقه و اصول، عرفان، فلسفه و اخلاق و ... بود. وقتی خاطرات شاگردان امام را مرور می‌کنیم، متوجه می‌شویم که آن‌ها از چند خصوصیت چشم‌گیر و قابل توجه در تدریس امام (ره) یاد می‌کنند. این خصوصیات، شیوه تدریس امام (ره) را در جایگاهی می‌نشانند که شیوه نوین تدریس - که حاصل آخرین دستاوردهای دانش روان‌شناسی آموزش و پرورش است - نیز در آن جایگاه نشسته است. ویژگی‌هایی که هر کس در کسوت معلمی و در جایگاه تدریس قرار دارد، باید به آن‌ها توجه داشته باشد. خصوصیاتى مانند:

## ۱. اخلاص

در سرلوحه ویژگی‌های امام در تدریس هم چون دیگر کارها، اخلاص بود. یکی از شاگردان امام خاطره جالبی در این مورد نقل کرده است: «حضرت امام (ره) پس از تبعید به ترکیه و بعد از ورود به نجف، وقتی دید و بلاز دیدها را پشت سر گذاشته و برای تدریس به مسجد شیخ انصاری (ره) که مملو از جمعیت بود، رفته بود روی منبر دوپله‌ای کوچکی نشسته بودند. در این هنگام، همه منتظر و سراپاگوش بودند



\* برخورد های کریمانه امام با شاگردان باعث می شد که آنها خود را باور کنند و به تلاش بیشتری بپردازند؛ زیرا با حفظ و رشد کرامت هاست که امکان سیر صعودی فراهم می شود.

\* از خصوصیات حضرت امام این بود که تفکرشان بر تتبعشان غلبه داشت؛ یعنی اندیشیدن ایشان پیش از جست وجو کردنشان در کتاب ها بود.

امروز نیز در بحث تعلیم و تربیت، به ساده گویی و شیوه های آسان تعلیم روی آورده است و تلاش می کند تا بر سرعت یادگیری بیفزاید.

حضرت امام تلاش می کرد مسایل نظری و فکری را که غالباً دور از درک اذهان عمومی است، با ساده ترین عبارات و مثال های روشن بیان کند.

«از خصوصیات درسی امام این بود که در تفهیم مطلب، مهارت اعجاب انگیزی داشتند. مطالب خود را خیلی روشن و با عباراتی که برای همه قابل فهم بود، بیان می فرمودند. به طوری که حاضرین کاملاً و به آسانی مراد ایشان را درک می کردند.»

#### ۷. برخورد صمیمانه با شاگردان

از خصوصیات درسی امام (ره) که علاوه بر ایجاد فضای مناسب بر جذابیت درس نیز می افزود، برخورد دوستانه ای بود که با شاگردان داشت. در ارتباط امام با شاگردان، صداقت، دقت و رأفت خاصی دیده می شد که بیش از حد انجام وظیفه و بارعلیت آداب و اجترامات لازم بود. به طوری که جدی بودن و حفظ وقار مایع از آن نبود که ایشان با شاگردانش مهربان و صمیمی نباشد و با آن ها مطلبی مقتضیات مزاح نکنند.

«فی المثل یکی از شاگردان فاضل ایشان که اهل آذربایجان بود، وقتی در اشکال و سؤال پافشاری می کرد و امام می خواستند وی را سناکت کنند، در آخر جواب می گفتند: «بیخ». و با این کلمه تکی هم پرسش کننده ترک زبان و هم بقیه حاضران به سختی می خندیدند و در نتیجه، سووصدا فرو می نشست و امام نیز بدون اینکه تبسمی کنند، به سخن ادامه می دادند.»

مطالب درسی بود. نکاتی را که می خواستند تدریس کنند، دسته بندی شده و مرتب بود.»

#### ۴. اهتمام در برپایی منظم کلاس

«حضرت امام درس ها را به طور دقیق و منظم، اعم از روزهای بارانی و برفی تشریف می آوردند. حضور ایشان در سر ساعت غیر قابل تغییر بود. حتی به خاطر دارم که استاد سه روز در اثر عارضه ای تب داشتند و نتوانستند برای درس فقه صبح که در مسجد سلماسی نزدیک منزلشان تدریس می کردند، تشریف بیاورند. پیغام دادند که به منزل بیایید. یعنی بلا هم درس تعطیل نشد. با این که امام (ره) کنار کرسی، لمحف روی پاهایشان کشیده شده بود مانند روزهای دیگری تدریس پرداختند.»

#### ۵. مطالعه قبل از تدریس

«یکی دیگر از ویژگی های جالب امام در تدریس این بود که قبل از درس دادن، مدتی ملاقات های خود را کاملاً تعطیل می کردند و به کسی اجازه ملاقات نمی دادند. در این اوقات به هیچ کاری جز مطالعه نمی پرداختند.

پس از اتمام تدریس نیز مدتی ملاقات نداشتند؛ برای این که بلافاصله مشغول نوشتن و تحریر مطالبی می شدند که در جلسه درس مطرح کرده بودند.»

#### ۶. پرهیز از پیچیده گویی

شیوه عمومی تدریس امام (ره) بر ساده گویی استوار بود. امام عقیده داشت که مغلط گویی، عمر شاگرد را تلف می کند؛ زیرا شاگرد باید مدتی را برای معنی کردن اصطلاحات و یافتن ارتباط آن ها با یکدیگر صرف کند. جهان

## ۸. برخورد توأم با احترام

امام (ره) در ارتباط با شاگردان به طور محترمانه ای برخورد می کرد. برخورد هایشان کریمانه بود. این نوع برخورد باعث می شد که شاگردان خود را بلور کنند و به تلاش بیشتری بپردازند؛ زیرا با حفظ و رشد کرامت هاست که امکان سیر صعودی فراهم می شود.

«نزدیک به ده سال که سعادت شرکت در درس معظم له برای بنده پیش آمده بود، هیچ گاه به خاطر نمی آورم کسی را پیش شاگردان کوچک کرده باشد و به اصطلاح تحقیرش کرده باشد؛ بلکه هر چه بود، شخصیت دادن بود. گاهی از شاگردان خود تعبیر به بعضی الافاضل می کردند. مثلاً اگر شاگردی نظری بر خلاف نظر استاد ارایه داده بود، ولی حضرت استاد آن را قبول نداشت، می فرمود: بعضی الافاضل - یعنی بعضی از دانشمندان و اهل فضل - دیروز چنین فرمودند و مطلب را - با دلیل - رد می کردند.»

«یادم می آید، آن زمان که انقلاب تازه شروع شده بود و امام (ره) سخنرانی هایی داشتند، مسایل امنیتی به این شکل مطرح نبود. در آن زمان، امام (ره) شب های جمعه مقید بودند که به حرم حضرت معصومه سلام الله علیها تشریف ببرند. بنده به اتفاق چند تن از دوستان در اواسط راه در کوچه ای به حضرت ایشان برخوردیم. از آن جا که علاقه مند بودیم که همراه ایشان باشیم، به دنبالشان به طرف حرم مطهر حرکت کردیم، ایشان وقتی متوجه حضور ما شدند، ایستادند و فرمودند: آقایان فرمایشی دارند؟

گفتیم: نه عرضی نداریم. فقط دوست داریم که همراه شما باشیم و از این کار لذت می بریم.

ایشان فرمودند: شکرالله سعیکم. من از این کار شما تشکر می کنم. شما آقا هستید. طلبه هستید. محترم هستید. من دوست ندارم که شخصیت شما از دنبال من حرکت کردن کوچک بشود. شما برای خودتان بروید من هم برای خودم می روم.»

## ۹. حرمت نهادن به بزرگان

بزرگداشت علم و عالم، از توصیه های اخلاقی دین ماست. توهین به دانشمند مرده یا زنده، سب کوتاهی عمر می شود. در حدیث آمده است: «کسی که به فقیه مسلمانی اهانت کند، روز قیامت خدا را در حالی ملاقات می کند که خدا بر او خشمگین است.»

احترام به بزرگان در سیره امام خمینی (ره) جلیگانه ویژه ای

داشت. حضرت امام آن گاه که می خواستند مطلبی از دانشمندی را نقل کند، با احترام از وی یاد می کرد. گاهی واژه «رضوان الله تعالی» را دنبال نام وی می آورد.

«حضرت امام نه تنها به استادان خود احترام می گذاشتند، بلکه از تمام علما و دانشمندان به نیکی یاد می کردند. به خاطر دارم که در یکی از نوشته های خود درباره مطلب کسی نوشته بودم: سخن وی «ظاهر الفساد» است. ایشان به هنگام مطالعه نوشته من، در کنار آن مرقوم داشتند: احترام مشایخ و بزرگان پیوسته باید مراعات شود.»

«به یاد دارم اوایل یک سال تحصیلی، یعنی نیمه دوم شهریورماه از سفر برگشتند و تدریس را شروع کردند. گویا در این هنگام متوجه شده بودند که یک نفر از آقایان که خدا رحمتش کند، از صاحب اسفار بد گفته است. امام آن قدر عصبانی شده بودند که فرمودند: ما الاسفار و ما ادریک ما الاسفار. اصلاً تو می دانی که اسفار چیست و صاحب اسفار کیست؟»

## ۱۰. تکیه بر تفکر در تدریس

امام خمینی (ره) در تدریس، به عنصر تفکر بهای زیادی می داد. آموزش و پرورش دچار این ضعف است که روی یک وظیفه کم اهمیت تر «مغز»، یعنی «حافظه» تأکید می کند؛ در صورتی که از وظیفه اصلی آن، یعنی «تفکر» غافل است. متأسفانه، امروزه آنچه ما «تعلیم و تربیت» می نامیم، صرفاً معلومات انباشته شده و محفوظات است؛ در حالی که وادار کردن دانش آموزان به حفظ کردن، آموزش نیست.

از خصوصیات امام (ره) این بود که تفکرشان بر تبعشان غلبه داشت؛ یعنی اندیشیدن ایشان بیش از جست و جو کردنشان در کتاب ها بود؛ برای مثال، وقتی ایشان مشغول تدریس کتاب مکاسب بودند، من تعدادی کتاب به خدمتشان بردم و عرض کردم: این ها را هم ملاحظه بفرمایید.

فرمودند: همه این ها را ببرید. من بلید خودم فکر کنم. کسی که این همه را نگاه کند، برای فکرش مجال نمی ماند. پس از آن، حاشیه صدیق و حاشیه دیگری بر مکاسب برگزیدند و بقیه را برگرداندند - البته بی تتبع هم نبودند.

## ۱۱. ایجاد روحیه تحقیق در شاگردان

«امام (ره) بر این نکته بسیار مصر بودند که طلبه ای که

در درس شرکت می کند، طوری نباشد که تنها حالت ضبط صوت داشته باشد؛ یعنی فقط مطالب را حفظ کند و حتی بفهمد.

خود حضرت امام در نقد گفتار استادان گذشته، کمال دقت را داشت و هیچ وقت عظمت فرد باعث نمی شد که امام مطلب وی را نقد نکند. ایشان سعی می کرد، طلبه را طوری بار بیاورد که محقق باشد و عظمت گوینده، چشم او را آن گونه نگیرد که ذهن او را از خلاقیت و ابتکار باز دارد. امام همواره طلبه ها را تشویق می کرد که در هنگام درس، به سؤال، بحث و انتقاد بپردازند.

«چند مرتبه اتفاق افتاد که شاگردان معظم له در وسط درس سؤالی نکردند و استاد برای تشویق آنان به تحقیق و اجتهاد، فرمودند: روضه خوانی نیست. چرا به مطلبی که می گویم، اعتراض و اشکال نمی کنید؟!»  
گاهی بعضی از شاگردان اشکالاتی را می نوشتند و تقدیم امام (ره) می کردند. امام علاوه بر این که خوشحال می شدند، برای تشویق آن ها انعام نیز می دادند.

#### ۱۲. تسلط بر کلاس درس

درست است که امام (ره) اهل بحث بود و در کلاس از اشکال، سؤال و انتقاد استقبال می کرد و هیچ وقت نمی شد که بخواهد با هیمنه و غلبه استاد بر شاگرد جلوی سؤال و اشکال را بگیرد یا آن را متوقف سازد؛ تا جایی که اگر سر درس اشکال نمی شد، می فرمودند: مگر مجلس ختم است که همه ساکت هستید؟ اما در عین حال، اگر سؤال و جواب بیش از حد کش پیدا می کرد و خود این مسأله به شکل مانعی، روند تدریس را تهدید می کرد، از ادامه آن جلوگیری می کردند و می فرمودند: مگر تعزیه خوانی است که تو بگویی، من جواب بدهم؟!»

و در این باره خاطره ای تعریف کردند: «درس مرحوم حاج شیخ این اشکال را داشت که حاج شیخ گاه مطلبی را عنوان می کرد و شاگردان اشکال می کردند و این اشکال و جواب آن قدر طول می کشید که گاه تمام وقت کلاس را می گرفت و مطلب حاج شیخ نا تمام می ماند.»

«به هر حال، امام (ره) در این گونه موارد وقتی می دیدند سؤال کننده هدفش غیر از جنبه های علمی است و یا خیلی پرت سخن می گوید، برخورد می کردند و گاهی با عبارت هایی مانند «این جا جای گوش کردن است» یا «شما گوش کنید» و امثال این ها، شاگرد را متوجه می کردند.»

#### ۱۳. توجه جدی به تهذیب و تربیت

از خصوصیات درسی حضرت امام (ره)، تذکرات

اخلاقی بود که گاه به مناسبت هایی به شاگردان می داد. ایشان نه تنها خود مهذب بود، بلکه همواره سعی داشت که طلبه ها نیز مهذب بزر بیایند. از این رو، هر چند وقت یک بار در هنگام شروع درس و یا در ایامی که منجر به تعطیلات می شد، به موعظه می پرداخت. ایشان، تربیت را مهم تر از تعلیم می دانست و می فرمود: «شما آقایان، باید در هر قدمی که برای تحصیل برمی دارید، اگر نگویم دو قدم، لااقل یک قدم در تهذیب بردارید.»

«حتی در جلسه درس ایشان معمول بود که روز شروع و روز پایان درس را به طور کامل به موعظه اختصاص می دادند. نصایح ایشان یا دیگران بسیار متفاوت بود. این تذکرات اثرات و صفت ناپذیر و بسیار عمیقی در طلبه ها داشت. در آن دقایق، سکوت معنی داری بر جلسه درس حاکم می شد و جنبه عرفانی امام (ره) مانند آهنربا دل ها را می ربود. گاه این تذکرات آن چنان نافذ و مؤثر واقع می شد که بعضی ها در درس به گریه می افتادند و بعضی ها هم از حال می رفتند.»

#### ۱۴. حوصله در تدریس

«حضرت امام (ره) به نظر می آمد که از تدریس خسته نمی شوند. غیر از پاسخ دهی به اشکال هایی که در جریان تدریس پیش می آمد، پس از درس هم مدتی چهار زانو می نشستند، عمامه شان را روی زانو می گذاشتند و به سؤال ها پاسخ می دادند. آن وقت، تازه اول بحث بود تا اشکال وجود داشت، ایشان نشسته بودند. وقتی دیگر کسی حرفی نداشت، از جا بلند می شدند و حرکت می کردند.»

#### ۱۵. احترام به وقت شاگردان

«حضرت امام (ره) بسیار مقید بود که از وقت کلاس، نهایت استفاده برده شود و وقت شاگردان به هیچ وجه تلف نشود. ایشان طوری طلبه ها را تربیت کرده بود که حتماً با مطالعه قبلی سر کلاس حاضر شوند. به همین دلیل، هیچ گاه وقت کلاس را صرف بازگو کردن نقل قول ها - که بسیار وقت گیر هم بود - نمی کرد و چون طلبه ها با مطالعه قبلی در جلسه درس حاضر می شدند، چندین برابر استفاده می کردند.»

در مدتی که ایشان تدریس می کرد، حتی یک بار دیده نشد که دیر سر کلاس حاضر شود. این ها همه باعث می شد طلبه هایی که در پای درس ایشان می نشستند، به طور معمول چند برابر درس های دیگر، از درس امام استفاده کنند.»